

گذری بر روزگاری که خانه مشهدی‌ها به لوله‌کشی سوختی نوین مجهز شد

تاریخ گرم گاز در مشهد



همایش آتش نشانی برای آموزش کار با کپسول گاز / دهه ۵۰ قرن گذشته

کمال سیستانی / زغال چوب (هیزم)، زغال سنگ، نفت و گاز؛ این چهار کلمه خلاصه سیر تاریخ سوخت‌های متداولی است که مردم در چله‌های بلند زمستان و فصل‌های سرد سال سوزانده‌اند

تا هر بار، دوباره به بهار و زندگی تازه سلام کنند. روایتی که‌برای قدیمی‌ها ملموس‌است وامروزی‌ها هیچ تصویری از آن نداشتند. جز زمستان اسمال که کمبود گاز وادارانِ کرد کمی با ملاحظه‌تر از

شرح می‌دهد: «یک ماه قبل نفت گران شد. تجار به اطراف نوشتند به قدر دویست و پنجاه چلیک نفت آوردند. پس از امتحان معلوم شد جمیع آن نفت‌ها معیوب و بد است. مردم از نفت سوزاندن منصرف شده. همه شمع و منداب می‌سوزانند.»

● ورود گاز مایع به مشهد

نفت تا دوران پهلوی دوم همچنان سوخت غالب مردم بوده و قدیمی‌ها این را خوب خاطرشان هست، اما ورود گاز مایع با تأسیس شرکت بوتان توسط محمود خلیلی در مهر ۱۳۳۲ خورشیدی همراه بود که زندگی ایرانیان را با تغییر و تحول‌های فراوانی روبه‌رو می‌کند. آن‌چنان که سال ۱۳۳۵ نخستین اجاق گاز، سال۱۳۳۸نخستین بخاری گازی، سال ۱۳۴۲ نخستین آب‌گرم کن و سال ۱۳۴۵ نخستین سیلندر گاز مایع تولید و پس از آن هم استفاده از گاز طبیعی به صورت سیلندر و کپسول‌هایی که از پالایشگاه خوزستان وارد می‌شدند، در مشهد باب می‌شوند، ولی کشف ذخایر گاز سرخس در اوایل دهه ۵۰ برای مشهد یک اتفاق مهم را رقم می‌زند، زیرا نزدیکی به این شهر سبب می‌شود تا این دیار بتواند زودتر از هر شهر دیگری در ایران آن روزگار، احوال زمستان‌های سردش را گرم کند.

برابر آنچه اسناد می‌گویند، در ابتدای نیمه دوم دهه۴۰خورشیدی، نمایندگی شرکت بوتان در مشهد تأسیس می‌شود و مسئول آن هم شخصی به نام علی سرایدار بوده است که این نمایندگی تا سال ۱۳۴۹گاز منازل مشهد را به صورت کپسول و سیلندر تأمین می‌کرده. اما از این سال به بعد است که زرمزه لوله‌کشی گاز منازل در جلساتی میان بلدیه، شرکت ملی گاز، آتش‌نشانی و دیگر سازمان‌های ذی‌ربط مطرح می‌شود، البته این جلسات دلیل دیگری هم دارد که نویسندگان «کتاب تاریخ اقتصادی مشهد، در جلد اول به آن اشاره کرده و توضیح داده‌اند که گویا به دلیل دوری راه بین خوزستان تا مشهد در این سال توزیع گاز مایع مشهد نامنظم و با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. همین عامل سبب شده است استانداری خراسان از شرکت ملی گاز ایران خواهد مبدأ گاز مصرفی این استان را تغییر دهد. در نهایت سرخس به عنوان بهترین گزینه مطرح و گاز طبیعی در اواخر سال ۱۳۵۲ از طریق لوله به مشهد می‌رسد.

این نعمت خدادادی استفاده کنیم و البته که خیلی شهرها هم رفتند سراغ بخاری‌های برقی و عایق‌کاری درزها و پنجره‌ها تا مگر از این سرما بگذرند. تجربه این‌روزها سبب شد تا در چند خط



دو نما از لوله‌کشی گاز در مشهد که کنده‌شدن پیاده رو و نصب علمک گاز در آن پیداست / دهه ۵۰ قرن گذشته

باهم‌سری‌رتبیم به‌روزگار استفاده از نفت وزغال سنگ و برایتان از دورانی بگوییم که مشهدی‌ها خودشان را برای نخستین لوله‌کشی گاز آماده می‌کردند.

نفت و زغال چوب زیر کرسی باشد و بس. البته ناگفته‌نماند، جایگزینی سوخت‌گاز در آشپزخانه به جای دیگر سوخت‌ها، دومین تغییر را در زندگی مشهدی‌ها رقم می‌زند و آن جایگزین کردن وسایل آشپزخانه با همتاهای نفتی و هیزمی خود است که نخستین آن‌ها «اجاق گازی» است که تا هنوز هم با عنوان «گاز» متداول است که این مهم هم البته به همت شرکت بوتان رخ می‌دهد.

● عبور لوله گاز از محله گاز

در نهایت باید گفت، شبکه گازرسانی مشهد از سال ۱۳۵۱ شروع و در سال ۱۳۵۳ به بهره‌برداری می‌رسد و تا بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی، ۳۲۴ کیلومتر شبکه گاز و ۱۲۳۴ مشترک از گاز طبیعی برخوردار می‌شوند. گازکشی مشهد از شمال شهر آغاز می‌شود و همین نیز مبنای نام‌گذاری بخشی از زمین‌های سمرقند به گاز در آن دوران می‌شود. جواد نواییان رودسری در پژوهشی درباره دلیل نام‌گذاری خیابان گاز توضیح می‌دهد: «وجه‌تسمیه نام‌گذاری خیابان گاز، دقیقاً معلوم نیست. ظاهراً عبور لوله اصلی انتقال گاز از ابتدای این خیابان، جهت این نام‌گذاری بوده است. با این حال، مردم این منطقه تا آذرماه سال ۱۳۶۰ از نعمت گاز طبیعی محروم بودند. برابر آنچه روزنامه خراسان در ۱۵ آذر ۱۳۶۰ و هم‌زمان با میلاد امام کاظم^(ع) گزارش داده، در این روز با حضور آیت...شیخ ابوالحسن شیرازی، امام جمعه مشهد و مسئولان گاز منطقه‌ای خراسان و مازندران، طرح گازرسانی به سه خیابان گاز، عبادی و مسلم آغاز می‌شود. طبق اعلام، قرار بوده با اجرای این طرح ۱۳ کیلومتر لوله‌گذاری، ۱۳۰۰ خانوار از نعمت گاز طبیعی برخوردار شوند.» البته در سندی برجای‌مانده از اواخر دهه ۵۰خورشیدی گویا بلدیه تصمیم داشته است نام این خیابان را به‌قطب‌الدین حیدر، تغییر دهد. اما این ممکن نمی‌شود و نام این خیابان تا هنوز همان گاز باقی می‌ماند تا خاطره عبور نخستین لوله‌گاز مشهد همچنان زنده بماند.

منبع: کتاب تاریخ اقتصادی مشهد(جلد اول)
نوشته علی نجف‌زاده و جلیل قصابی گزوه.اخبار خراسان در مطبوعات دوره قاجار(جلد اول) از سید مهدی سید قطبی، پژوهش جواد نواییان رودسری و اسناد موجود در آرشیو مرکز اسناد تاریخ و توسعه شهر مشهد در شهرداری مشهد



تغییر نام خیابان گاز به «قطب‌الدین حیدر»



صورت‌جلسه ایجاد زیرساخت‌های شهری برای لوله‌کشی گاز به منازل مشهد۱۳۵۲



قید لوله‌کشی گاز در پروانه‌های ساختمانی. شهریور ۱۳۵۲



نامه شرکت ملی گاز به استانداری خراسان برای تغییر سوخت واحدهای اداری و سازمان‌های دولتی۱۳۵۲

بازار زرگرا



دوکونا: دکان‌ها و مغازه‌ها

خوردو: کوچک، ریز

خفه‌بند: گردنبند

خفتی: گردنبندهای قدیم سکه‌ای

گوشوره: گوشواره

شعر: مرحوم علی اصغر میرخدیوی مداح

لهجه مشهدی

طرف جنوبی بَست پایین بازاری بود
بری زرگرا اونجیم محل کاری بود
یک درش بصرن نوا میشد و پُور بیچ و خم
دوکونا خوردو و فِسقلی و خیلی جاشا کم

هر گُدم جعبهٔ آینه‌ای و توش پُور از طلا

تموم موش‌ریاشایم رنای پولدارا

او زمان گوشواره های تَخْتی بود و خُفه بند

خفتی یای اَشرفی، گوشواره‌های خیلی پلَند

بعضی وختا میدیدی گوشوره‌های گوشاشا

از پلندی اُفتیده جُفتی بروی دوشاشا

توی او بازاره غیر زرگری هیچه نیوَد

کاسبی بغیر زرگری توشا نداشت وجود

بازار زرگراها: یکی از بازارهای قدیم مشهد که در دهه ۵۰

و به هنگام ساخت اطراف حرم، تخریب شد.



کفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت چهارم)

تاریخ مشهد به روایت «مفاتیح‌الجنان» (بخش سوم)

مرضیه ترابی

در قسمت قبل به فرازهایی از تاریخ مشهد که در کتاب «مفاتیح‌الجنان» آمده‌است، اشاره و درباره آن‌ها توضیحاتی ارائه کردم. گفتم که مرحوم شیخ عباس قمی، در بخش مربوط به زیارت امام‌رضا^(ع)، به ماجرای حمله خونین ازبک‌ها به مشهد و اشغال ۱۰ ساله این شهر توسط آن‌ها، هرچند به صورت مختصر، پرداخته‌است. ستاره اقبال ازبک‌ها در سال ۱۰۰۶ قمری، به تدریج افول کرد، اختلافات داخلی آن‌ها را در بر گرفت و به دنبال کشتار امیرزادگان این طایفه به دست عبدالمؤمن خان، صحنه حکومت ازبکان، از افراد جنگاور و توانمند، بالکل خالی شد.

همین مسئله، شاه‌عباس یکم را که به دنبال فرصتی برای آزادسازی خراسان بود، برانگیخت. اگرچه هنوز عبدالمؤمن خان در قیدحیات بود و تقابل، دورنمایی سخت داشت، اما سپاه ایران با پیش‌قراولی فرهادخان قرامانلو، خود را به دستگردار دکان رساند و مهیای آغاز عملیات آزادسازی مشهد شد. ازبکان که تاب مقابله نداشتند، تصمیم گرفتند به شکلی مسالمت‌آمیز عقب‌بنشینند. «محمدی»، حاکم ازبک مشهد، ریش‌سفیدان شهر را به کمک طلبید. تعداد زیادی از خانواده‌های ازبک در مشهد حضور داشتند و بیم آن می‌رفت که در پی نزدیک شدن سپاه ایران، گروهی از جوانان شهر دست به قیام بزنند و به خانواده اشغالگران حمله کنند. با توافق، محمدبی، وریش‌سفیده‌ای شهر مشهد، زمینه خروج بدون درگیری ازبکان فراهم شد، آن‌ها قول داده‌بودند بی‌دردسر شهر را ترک کنند، اما تقریباً همه اموال حرم‌مطهر را به بغما برده‌بودند. طبق گزارش شیخ عباس قمی، وقتی شاه‌عباس به مشهد وارد شد «دید که حرم مطهر را عبدالمؤمن خان ازبکی غارت کرده و سواى مجر طلا، چیزی در آنجا نگذاشته است».

● شرح یک غارت
شیخ عباس قمی، این گزارش‌یک خطی و مختصر را به‌نقل از «عالم‌آرای عباسی»، اثر اسکندر بیگ منشی ترکمان آورده‌است. اسکندربیک در کتاب خود می‌نویسد: «روضة مقدسه هم به یاد تاراج رفت و قنابدیل طلا و نقره و شمعدان‌ها که از خیز تعداد بیرون بود و مغروشات و ظروف و آوانی چینی و کتابخانه سرکار فیض‌آثار که در تمادی ایام از اقصای بلاد اسلام جمع شده بود از مصاحف به خط شریف حضرت ائمه معصومین و استادان ماتمقد مانند یاقوت مستعصمی و استادان سته ... به دست ازبکان بی تمیز نادان درآمده، آن دُرَر گرنامیه را چون خُرف (سفال، چیزی بی ارزش) ریزبدها به یکدیگر می‌فروختند.» شرایط در مشهد، هنگام ورود سپاه ایران بسیار مشوش بود و محدث قمی نیز در مفاتیح‌الجنان، به این مسئله اشاره کرده‌است. آن مرحوم تاریخ ورود سپاه ایران را طبق گزارش «مطلع‌الشمس»، از ۲۵ ذی‌الحجه سال ۱۰۰۶ قمری می‌داند، اما در کتاب «عالم‌آرای عباسی»، این واقعه در سال ۱۰۰۷ قمری ثبت شده‌است. دلیل این تفاوت، به وقوع اتفاق در اواخر ماه ذی‌الحجه باز می‌گردد، این ماه آخرین ماه سال قمری است و تسلسل وقایع تا سال بعد، یعنی ۱۰۰۷ قمری، باعث‌شده‌است که اسکندربیک آن را در شمار رویدادهای سال جدید قمری بیاورد.

● شاه‌عباس به مشهد

بگذریم، طبق گزارش مفاتیح‌الجنان «[شاه عباس] در بیست و هشتم ذی‌الحجه از مشهد به هرات رفت و هرات را استرداد کرد»(پس گرفت) بعد از نظم آنجا رجعت (بازگشت) به مشهد نمود؛ یک‌ماه در آنجا توقف نموده و صحن مشرف را مرمت کرده، خدام بقعه مبارکه را احسان و رعایت فرموده معاودت (بازگشت) به عراق فرمود، و در اواخر سنه هزار و هشت دوباره شاه عباس به مشهد مقدس رفته، زمستان را در آنجا گذرانیده و خدمت خادم‌باشی گری آستانه مقدس را خود متقلد و مشغول بود.»

اطلاعات موجود در مفاتیح‌الجنان، با آنچه در کتاب «عالم‌آرای عباسی» آمده‌است، تطبیق دارد، «البته دلیل این تطبیق، ظاهرار جوع شیخ‌عباس قمی به کتاب «مطلع‌الشمس» است که اعتمادالسلطنه، مواد تاریخی مربوط به مشهد در عصر صفوی را در این کتاب، عمدتاً از «عالم‌آرای عباسی» گرفته، خوب است این قسمت از اطلاعات تاریخ مشهد را در مفاتیح‌الجنان، با اصل کتاب «عالم‌آرای عباسی» مقایسه کنیم. اسکندربیک منشی ذیل حوادث سال ۱۰۰۷ قمری می‌نویسد: «[شاه عباس] بعد از فراغ از مهمات مملکت و انتظام احوال سپاهی و رعیت، عزم مراجعت فرموده، موکب نصرت قرین بجانب مشهد مقدس معلی در حرکت آمد و قریب یک ماه در آن خطه جنت‌نشان توقف فرموده، به واجبی به‌نظم و شُش سرکار آستانه‌متبر که پرداختند و خُدام و مدرسان و حفاظ و دیگر عمله و خدمتکاران را اطعام فقرا و راتبه خواران (وظیفه‌خوار، مزدبگیر، کارمند) به دستور زمان شاه جنت مکان، تعیین یافت. از قنابدیل مرصع و طلا و نقره و شمعدان و قالی‌های بتکلف (ظریف) کرمانی و جوشقانی و آوانی (آبخوری) و ظروف آن چه ضروری سرکار فیض آثار بود سرانجام یافته در زیب و زینت روضهٔ مقدسه کوشیدند و تا در مشهد مقدس نزول اجلال داشتند هر صبح و شام به سعادت زیارت فایز گشته از غایت ارادت و حسن اعتقاد و اکثر اوقات بنفسی نفیس بخدمات خادمی و فراشی حرم محترم و سایر خدمات قیام و اقدام فرموده بدان مفتخر و مباهی بودند.» اسکندربیک، حوادث سال بعد و بازگشت شاه عباس یکم به مشهد را که در مفاتیح‌الجنان مورد توجه قرار گرفته، به این شکل مورد اشاره قرار داده‌است: «[شاه عباس] از اسفراین متوجه مشهد مقدس گشته، به شرف طواف مرقد منور حضرت امام الجن و الانس مشرف شدند و زمستان را در آن بقعهٔ شریف به پایان رسانیده در لیالی و ایام متبرکه بلوازم دعا و زیارت پرداخته همواره به خدمات خادم‌باشیگری که در آن روضهٔ مقدس بذات اقدس همایون اختصاص دارد مشغولی می‌فرمودند که نسیم غنبر شمیم بهار در وزیدن آمده دماغ روزگار را مطهر ساخت.» این سفر شاه‌عباس، به قصد زیارت نبود، او تصمیم داشت نفوذ خود را در ماوراءالنهر (فراوردان) و سرزمین‌های آن سوی ترک، و همچنین هرات و غرب افغانستان امروز، تثبیت کند که البته اقدام او، قرین موفقیت هم بود. شیخ عباس قمی به این بخش از گزارش «عالم‌آرای عباسی»، اطلاعات درج شده در دیگر منابع را هم اضافه کرده و درباره خدمت شاه عباس یکم صفوی در حرم رضوی نوشته‌است: «چنان‌چه شبی با مقراض (قیچی) سر شمع‌ها را می‌گرفت شیخ بهائی علیه‌الرحمه بالبدیهه (به صورت بداهه و آتی) این رباعی را انشاء کرد: پیوسته یُود ملائک علیین / پروانه شمع روضه خُلد برین / مقراض با احتیاط زن ای خادم / ترسم پُتری شهر جبریل امین.» نکته جالب توجه در افزوده گزارش شیخ عباس قمی، سلیقه او برای استفاده از اشعاری است که زاتران، بر در و دیوار حرم و به صورت حجاری شده می‌بینند. درواقع او، انگار با آوردن این بیت و البته ابیات دیگری که در قسمت‌های بعدی به آن‌ها اشاره می‌کنیم، قصد داشته‌است که زاتران را به اشعار حجاری شده در اطراف روضه منوره و دیگر بخش‌های حرم رضوی که افزون بر مدح امام رضا^(ع) در برگزیده برخی معارف و تأییدکننده برخی اعتقادات اساسی در آموزه‌های اسلامی است، توجه دهد. در ادوار بعد، شعر نقشی محوری در حرم رضوی پیدا کرد و ملک‌الشعرای آستان قدس، موظف بود در اوقات عید و عزا و نیز، برای ثبت بر روی کاشی‌ها یا سنگ‌های حجاری شده، ابیاتی را بسازد. اگر هنگام تشرّف به حرم رضوی و زیارت ثامن‌الحجج^(ع)، به در و دیوار این مکان مقدس، چه در صحن‌ها و چه در رواق‌ها دقت کرده‌باشید، می‌توانید رُده و نشان شعر فارسی را به تمامی ببینید.

اَشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۱
۷ رجب ۱۴۴۴
شماره ۳۸۷



تاریخ و هویت

منبع: مرکز اسناد تاریخ و توسعه شهر در شهرداری مشهد